

به روی مطالعه تاریخ و اندیشه اسماعیلیه بود.

هم زمان، به برکت مساعی شماری از پژوهندگان اسماعیلی مذهب که در فضای خالص اسماعیلی نشو و نما یافتند و سپس در غرب روش‌های جدید پژوهش را آموختند، تعداد زیادی تألیفات علمی و بنیادین اسماعیلی پدید آمد و منتشر شد. این پژوهندگان نظیر حسین فیض‌الله همدانی و آصف علی اصغر قیظی و سپس عباس همدانی و اسماعیل قربان پونا والا، وارث کتابخانه‌های خانوادگی با شماری از دست‌نویس‌های دعوت اسماعیلی بودند که در مطالعات خود بر آنها تکیه می‌کردند. همین امر به ارائه تصویری بسیار دقیق از این مذهب و تاریخ و عقاید پیروانش کمک کرد. گفتنی است این پژوهندگان همگی به فرقه مستعلیه منسوب‌اند.

از میان این پژوهندگان، حسین فیض‌الله همدانی (۱۹۰۱-۱۹۶۲) پیشاهنگ مطالعات اسماعیلی جدید است. وی بر مجموعه‌ای از دست‌نویس‌های اسماعیلی متکی بود که خاندان او آنها را در سورت هند «الخرانة المحمدية الهمدانية» (که ج‌او محمدعلی یعبری همدانی آن را تأسیس کرده بود) نگهداری می‌کردند. حسین همدانی در مقاله «برخی مؤلفان ناشناخته اسماعیلی و آثار آنان»^۱ که به سال ۱۹۳۳ در مجله جمعیت پادشاهی آسیایی در لندن منتشر ساخت به اهم این تألیفات اشاره کرد، همچنان که اینک فرزند او عباس همدانی - استاد دانشگاه ویسکانسین ایالات متحده آمریکا - به طور خاص مشارکت گسترده‌ای در مطالعه درباره تاریخ دعوت طیبیه و رسائل اخوان الصفا با تکیه بر این منابع اصلی دارد. حسین همدانی همچنین نسخه معروف «السجلات المستنصریه» را که مهم‌ترین منبعی است که هیچ شکی در باب مقطع زمانی حکومت صلیحیان در یمن باقی نمی‌گذارد، به مدرسه مطالعات شرقی لندن^۲ اهدا کرد و در سال ۱۹۳۳ مقاله‌ای درباره آن در مجله مدرسه مطالعات شرقی لندن با این مشخصات "The letters of al-Mustansir, billah" و BSOS VII (1933-35), pp. 307-324 منتشر ساخت و عبدالمنعم ماجد بعدها آن را به سال ۱۹۵۴ به طور کامل در قاهره به چاپ رساند.

مدرسه مطالعات شرقی لندن در ۱۹۳۲ صاحب مجموعه‌ای مهم از دست‌نویس‌های اسماعیلی شد که در تملک یکی از رجال بهره در هند بود - که سه سال پیش از آن وفات کرده بود - و پاره‌ای از کتاب‌های آن در اختیار پسرش که مسیحی شده بود قرار داشت و از آنجا که وی توجهی به اعتقادات اسماعیلی نداشت آنها را در خارج از هند در معرض فروش قرار داده بود. ترائیون به سال ۱۹۳۳ فهرست کوتاهی از آنها را در مقاله‌ای در مجله مدرسه مطالعات شرقی لندن با این مشخصات A.S. Tritton, "Notes on some Ismaili Manuscripts", BSOS VII (1933-35), pp. 33-39.

منتشر ساخت.

در سال ۱۹۳۳ ولادیمیر ایوانف - با اتکا بر دست‌نویس فهرسه الکتب و الرسائل و لمن هی من العلماء و الائمة و الحدود و الافاضل نوشته اسماعیل بن عبدالرسول آجینی مجدوع، یکی از دانشمندان اسماعیلی سده دوازدهم هجری^۳، که از جمله دست‌نویس‌های الخزانة المحمدية

وظایف دعوت را از وظایف دولت جدا ساخت و داعی دؤیب بن موسی وادعی را نخستین داعی مطلق تعیین کرد تا امر دعوت را به امام مستور پیوند زند و مراقبت از آثار و ادبیات دعوت فاطمی اسماعیلی را عهده‌دار گردد.

از آن پس اوضاع نابسامان سیاسی در واپسین ایام حکومت سیده حره و پس از وفات وی به سال ۵۳۲ ق / ۱۱۳۸ م، بدانجا انجامید که «داعیان مطلق» میراث مکتوب فاطمی را پنهان سازند. در سده نهم هجری / یازدهم میلادی، داعی عمادالدین ادریس، نوزدهمین داعی مطلق دعوت طیبی در یمن، توانست از این منابع اطلاع یابد و در نوشتن تألیفات مهم تاریخی خود بر آنها تکیه کند.

در سال‌های پس از اشغال یمن به دست عثمانی‌ها به سال ۹۴۴ ق / ۱۵۳۷ م، و تقسیم شدن دعوت طیبی به دو فرقه داوودیه که به هند منتقل شد و سلیمانیه که همچنان در هند ماندگار شد، ادبیات اسماعیلی نهایتاً به اقلیم گجرات بر ساحل غربی هند راه پیدا کرد. یمن بخش عمده‌ای از این میراث را در مراکز دعوت، خاصه در دو اقلیم ذی‌جبله و حرّاز حفظ کرد تا آنجا که امام زیدی المتوکل علی‌الله یحیی بن محمدحمیدالدین (۱۳۲۲-۱۳۶۷ ق / ۱۹۰۴-۱۹۴۸ م) بر آنجا استیلا یافت و این مکتوبات را در چند صندوق در کتابخانه کبیر در صنعا پنهان کرد و هیئت اعزامی اسناد و نسخ خطی که به سال ۱۹۶۴ از سوی وزارت فرهنگ مصر به یمن فرستاده شد توانست ۵۸ کتاب مهم از مجموعه این کتاب‌ها را تصویربرداری کند که در حال حاضر در دارالکتب المصریه در قاهره نگهداری می‌شود. از جمله، اجزایی از عیون الاخبار از داعی عمادالدین ادریس، المصالیح فی اثبات العمامه از حمیدالدین کرمانی، رسائل حمیدالدین کرمانی (۱۳ رساله)، المجالس المؤیدیه^۴. این نسخ خطی، برخلاف دست‌نویس‌های اسماعیلی هندی الاصل که همگی تازه‌اند و در دو سده اخیر نوشته شده‌اند، به لحاظ قدمت و اصالت ممتازند و چنان می‌نماید که از روی اصولی نقل شده‌اند که در کتابخانه خود داعی محفوظ بوده‌اند و در حال حاضر اطلاع یافتن از آنها ناممکن است و اغلب به ادبیات مستعلیه - طیبیه مربوط‌اند.

آشنایی پژوهش‌های نوین با اندیشه‌ها و عقاید اسماعیلیه از خلال تألیفات خود اسماعیلیان، مرهون مساعی خاورشناس روس، ولادیمیر ایوانف^۵ (۱۸۸۶-۱۹۷۰) است که در دهه بیست سده بیستم - پس از شعله‌ور شدن آتش انقلاب بلشویکی - به هند مهاجرت کرد و با سلطان محمدشاه آقاخان سوم (متوفی ۱۹۵۷ م) آشنا شد و از دست‌نویس‌ها و تألیفات اسماعیلیه که شاخه معروف دوم اسماعیلی یعنی نزاریان از آن حفاظت می‌کردند، اطلاع یافت و در نتیجه شماری از کتاب‌های پیش‌تاز در این باب نگاشت که تا امروز بنیاد هرگونه پژوهش دیگری در این باب محسوب می‌شود. وی همچنین با تکیه بر این دست‌نویس‌ها پاره‌ای از منابع اصلی و مهم اسماعیلیه را منتشر ساخت که توجه پژوهندگان غربی نظیر برنارد لویس^۶ و ماریوس کانار^۷ و هانری کوربن^۸ و دیگران را به خود جلب کرد. پژوهندگانی که روش‌های جدیدی در تعامل با این متون به کار گرفتند و نظریات جدیدی در این باب طرح کردند که فتح باب گسترده‌ای

تبدیل کرده است.

این جزء با آشکار شدن دعوت فاطمی در جزیرهٔ یمن در زمان امامت المستنصر بالله فاطمی به دست داعی علی بن محمد صلیحی آغاز می‌شود و این مرحله بیش از نیمی از این مجلد را فرا می‌گیرد. مؤلف سپس تاریخ مختصری از دورهٔ امامت المستعلی بالله و الامر باحکام الله (۴۸۷-۵۲۴ ق / ۱۰۹۴-۱۱۳۰ م) که آنان را واپسین امامان فاطمی در مصر محسوب می‌دارد، عرضه می‌کند. دعوت اسماعیلی یمن، چهار امام آخر فاطمی مصر (الحافظ، الطاف، الفائز و العاضد) را فاقد حق شرعی امامت می‌دانست و معتقد بود که آنها امامت را از صاحب حق، امام مستر، طیب بن الامر باحکام الله غصب کرده‌اند.

فصل بعدی به امام مستور، طیب پسر امر، و سحلی مربوط می‌شود که امام الامر باحکام الله به سیده حره در یمن نوشته که مشروعیت وراثت وی را از پدرش به اثبات می‌رساند؛ چندان که اسماعیلیان طیبی معتقد به پنهان شدن امام طیب بن امر شدند و بازگشت «دورهٔ ستر» را اعلان کردند. این جزء با گذری سریع بر تحولاتی که در مصر تا هنگام استیلای صلاح‌الدین یوسف بن ایوب در ۵۶۷ ق / ۱۱۷۱ م رخ داد و در اثر آن دولت فاطمیان سقوط کرد به پایان می‌رسد.

این جزء با استناد بر «زندگی‌نامهٔ خود نوشت» داعی‌الدعاة المؤید فی‌الذین هبة الله شیرازی اشارت مطوئی به نقش وی در عراق و شام در پشتیبانی از حرکت فرمانده ترک نژاد ابوالحارث ارسلان بسامیری در بغداد دارد. وی مقام «داعی‌الدعاة» را به طور رسمی برای مدت بیست سال در مصر به سال ۴۵۰ ق / ۱۰۵۸ م احراز کرد. نویسنده همچنین با اتکا بر یک منبع مصری ناشناخته به بحران‌های اداری و هرج و مرج سیاسی‌ای اشاره دارد که قاهره - مقر امامت فاطمیان - در نیمهٔ سدهٔ پنجم هجری / یازدهم میلادی به دست سپاهیان ترک نژاد به فرماندهی ناصرالدوله بن حمدان بدان دچار آمد، و در اثر آن امام المستنصر بالله به سال ۴۶۶ ق / ۱۰۷۴ م ناچار شد برای تجدید سازمان دولت از والی عکا، فرمانده ارمنی نژاد، بدر جمالی درخواست کمک نماید. همچنین به چگونگی میل شدن این فرمانده نظامی به رئیس دعوت فاطمی و تسلط یافتن وی بر قدرت دینی و افزوده شدن لقب «کافل قضاة المسلمین و هادی دعاة‌المؤمنین» به سال ۴۷۲ ق / ۱۰۷۹ م به القاب دیگرش، اشاره دارد.

نویسنده در این جزء همچنین تا اندازه‌ای به جدالی می‌پردازد که به دنبال وفات المستنصر بالله پیرامون خلافت وی درگرفت. جدالی که بزرگترین بحران داخلی بر خاندان فاطمی بود. این جدال در باب جانشین مستنصر بود که آیا پسر بزرگش نزار بر حق است یا پسر کوچکش ابوالقاسم احمد (المستعلی بالله)؟ مرگ المستنصر بالله در واقع پایان «دورهٔ دعوت یکپارچه اسماعیلیه» بود. این نزاع که به غلبهٔ المستعلی بالله منتهی شد، حرکت اسماعیلیهٔ فاطمی را به دو جناح رقیب تقسیم کرد. مستعلیه یا دعوت اسماعیلیهٔ قدیم (غربی)، و نزاریه یا دعوت اسماعیلیهٔ جدید (شرقی). این دو پارگی عواقب ناخوشایند و مداومی در پی داشت که بر آیندهٔ حرکت اسماعیلیه اثر گذاشت. و دعوت اسماعیلیه

الهمدانیه بود، راهنمایی برای ادبیات اسماعیلی، خاصه آنچه با ادبیات دعوت مستعلیه ارتباط می‌یافت با این مشخصات:

A Guide to Ismaili Literature, London 1933.

تهیه کرد و سپس به سال ۱۹۶۳ چاپ جدیدی توأم با حواشی عرضه کرد با این مشخصات:

Ismaili Literature, A Bibliographical survey, Tehran 1963.

بعدها اسماعیل قربان یونا والا کتابشناسی کاملی از ادبیات اسماعیلی همراه با شرح حال مؤلفان آنها به چاپ رساند با این مشخصات:

Biobibliography of Ismaili Literature, Malibu, California 1977

و نیز مقاله‌ای مهم در باب «منابع اسماعیلی تاریخ جنوب غرب جزیرهٔ العرب» با این مشخصات:

Ismaili Sources for the History of south-west Arabia" in Sources for the History of Arabia, Riad "1979, I, pp. 151-59.

به چاپ رساند.

نویسندهٔ این سطور نیز مقاله‌ای در باب منابع جنوب جزیرهٔ العرب در عصر فاطمی در همین کتاب دارد با این مشخصات: ایمن فؤاد سید، «دراسة نقدیه لبعض مصادر جنوب غرب الجزيرة العربیه فی العصر الفاطمی»، مصادر تاریخ الجزيرة العربیه الرياض ۱۹۷۹، ص ۲۴۵-۲۵۲. هم‌زمان، فهرست‌های توصیفی برخی از مجموعه‌های مشتمل بر دست‌نویس‌های اسماعیلی نظیر آنچه در ذیل می‌آید، نیز به چاپ رسیده است:

Coraiawala, Muizz, A Descriptive Catalogue of the fyzee collection of Ismaili Manuscripts, Bombay 1965; Fyzee, Asaf 'A.A., "A Collection of Fatimid Manuscripts" in Gidwani, N.N.(ed.), Comparative Librarianships: Essays in Honor of professor D.N.Marshall, Delhi 1973, pp. 209-20; Gacek, Adam, Catalogue of Arabic Manuscripts in the library of the Institute of Ismaili studies, 2 vols., London 1984-85; Descriptive Catalogue of Manuscripts in the library of the Institute of Ismaili studies, London 2000.

کتاب و مؤلف آن

جزء هفتم کتاب عبون‌الاخبار نوشتهٔ داعی عمادالدین ادریس بن الحسن الأنف، تنها منبعی است که در باب مظهر دینی خاندان صلیحی در یمن به بحث می‌پردازد. جایگاه مؤلف به عنوان داعی مطلق دعوت طیبی در یمن و منابع و اسناد کمیاب اسماعیلی که وی از آنها اطلاع داشته، کتاب او را به منبع اصلی مطالعه درباب دعوت اسماعیلیه در یمن

یمن در باب حق خلافت به مستعلی گروید.

در مطالعاتشان از آن بهره برده‌اند.

مؤلف به دنبال این بحث به دوره امامت المستعلی بالله، سپس امامت فرزندش الامر باحکام‌الله و وفات وی تا هنگام ادعای امامت الحافظ عبدالمجید، پسر عم الامر، می‌پردازد. این بخش همچنین تاریخ مفصل صلیحیان، جانشینان علی بن محمد صلیحی، بنیان‌گذار دولت آنان، و نیز تاریخ دعوت فاطمیان در یمن در این دوره را دربرمی‌گیرد.

نویسنده در این جزء میان مصر و یمن در تردد است، بدین‌گونه که تسلسل رخدادهای تاریخ صلیحیان را قطع می‌کند تا سری به قاهره بزند و حوادثی را که در آنجا در حال وقوع است روشن سازد. حوادثی که نویسنده در باب مصر یاد می‌کند غالباً تاریخ مشخصی ندارد و گاهی تواریخ و تسلسل حوادث خلط شده است. حتی گاه به عمد - به سبب اغراض فرقه‌ای - رخدادهایی را می‌آورد که با آنچه منابع مصری بر آن اجماع دارند مخالف است.^{۱۱}

به رغم این ملاحظه، این جزء از عیون‌الاخبار منبعی اساسی است برای تاریخ دعوت فاطمیان در زمان خاندان صلیحی در یمن و جنگ‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌های همراه آن و نیز مشتمل است بر شرح حال مهم‌ترین رجال دولت صلیحی و دعوت اسماعیلی و قصاید مطول گونه‌گونی که درباره این حوادث بودند.

نخستین ویژگی این جزء این است که به رغم آن که مؤلف آن سه - چهار سده از حوادثی که وصف می‌کند، فاصله دارد، معلومات خویش را از اصولی اخذ می‌کند که معاصر روزگار صلیحیان‌اند و نیز از شمار معتبری از اسناد رسمی که دسترسی مورخان بیرون از حلقه دینی این مذهب به آنها ناممکن می‌نماید. این ویژگی، ارزش علمی خاصی به این اثر بخشیده و آن را به متن پراهمیتی در تاریخ دعوت اسماعیلیه مبدل ساخته است.

مؤلف به اعتبار این که ریاست دعوت اسماعیلیه در یمن را برعهده داشته، وارث سنت‌ها و حافظ کتاب‌های آنان بود. وی در صفحات این جزء متون کاملی را از شمار زیادی از سجلاتی که امامان فاطمی (المستنصر بالله و المستعلی بالله و الامر باحکام‌الله) و مادران و همسران آنان به داعیان صلیحی خویش در یمن فرستادند، آورده است. به علاوه نص سجلی را یاد کرده است که در طی آن امام المستنصر بالله، المؤید فی‌الدین هیبة‌الله شیرازی را به مقام داعی الدعای گماشته است و نیز متن پاره‌ای از خطبه‌هایی را که امام الامر باحکام‌الله در گردهمایی نماز عیدفطر و قربان ایراد کرده است، آورده که اهمیت آن در این است که اسماعیلیان خلیفه فاطمی را بیش از آنکه یک حاکم سیاسی و رئیس دولت وسیع بدانند وی را امام و زعیم دینی محسوب می‌داشتند.

نخستین کسی که اهمیت این جزء از کتاب عیون‌الاخبار را خاطر نشان ساخت دانشمند فقید حسین بن فیض‌الله همدانی بود که در کتاب خود الصلیحیون و الحرة الفاطمیة فی الیمن به آن استناد کرد. چنان که بخش‌های مطولی از این جزء (ص ۳۰۷-۳۰۹ و ۳۱۹-۳۲۰) را که «المکتبة المحمدية الهمدانية» نسخه کاملی از آن را نگهداری می‌کرد، به این کتاب ملحق نمود؛ نسخه‌ای که پژوهنگانی چون محمدکامل حسین و عبدالمنعم ماجد و اسماعیل قربان پوناوالا و نویسنده این ستور

مؤلف کتاب

عمادالدین ادریس بن الحسن بن عبدالله بن علی بن الولید الأنفه نوزدهمین داعی مطلق است که در سلسله داعیان طیبی در دوران دوم ستر، به دنبال وفات الامر باحکام‌الله و پنهان شدن فرزندش امام طیب، ظهور کرد. تبار وی به خاندان ولید قرشی بازمی‌گردد که دعوت طیبی را در یمن برای سه سده رهبری می‌کرد.^{۱۲}

شرح حال وی در کتاب‌های مشهور تراجم نیامده است، ولی داعی هندی قطب‌الدین سلیمان جی بُرهانیپوری (متوفی ۱۲۴۱ ق / ۱۸۲۶ م) در کتاب خود منتزع الاخبار فی اخبار الدعاة الاخیار با استناد به دو کتاب عمادالدین ادریس، نزهة الافکار و روضة الاخیار، شرح حال وی را آورده است. بُرهانیپوری سالزاد داعی ادریس را یاد نکرده است اما اسماعیل قربان پوناوالا سالزاد وی را ۷۹۴ ق / ۱۳۹۲ م. در قلعه شیبام بر کوه حراز در یمن دانسته است.^{۱۳} هیچ اطلاعی از زندگانی وی پیش از آنکه به وصیت عمش علی بن عبدالله بن علی بن الولید، هجدهمین داعی مطلق (متوفی صفر ۸۳۲ / نوامبر ۱۴۲۸)، داعی یمن شود در دست نداریم.

عمادالدین ادریس در دوره نابسامانی عهده‌دار ریاست دعوت طیبی شد، در زمانی که یمن شاهد منازعات شدیدی بود که میان فرمانروایان و امامان درگرفته بود. کما اینکه عمادالدین ادریس - که هم‌پیمان فرمانروایان طاهری بود - در برابر ائمة زیدی در شمال یمن مقاومت ورزید و دژها و باروهای آنان را درهم کوبید. به سال ۸۴۰ ق / ۱۴۳۶ م. در کوه حراز و اطراف آن طاعون شیوع یافت که جان شمار زیادی از یاران دعوت، از جمله عزالدین معدین داعی عبدالله بن علی بن ولید و عمش محمدبن علی را ستاند. وفات بیشتر آنان در ماه صفر همین سال بود.^{۱۴} عمادالدین ادریس نیز به ناگزیر به شیبام سفر کرد. و جز در شعبان سال ۸۵۳ ق / نوامبر سال ۱۴۴۹ م. به حراز - مهم‌ترین قلعه دعوت اسماعیلی در یمن - بازنگشت.

خود او در این باره می‌گوید: «اهل دعوت از رسیدن من بدانجا چنان مسرور شدند چونان کسی که پدرش مدتی غایب بوده و اینک پس از سفری دور و دراز بازگشته است».^{۱۵} عمادالدین ادریس نقش مهمی در تمرکز دعوت اسماعیلی در هند داشت و راه را برای انتقال مراکز دعوت اسماعیلی از یمن به هند هموار ساخت.^{۱۶}

عمادالدین ادریس چون مرگ خویش را نزدیک دید فرزندش حسن بدرالدین را برای جانشینی خود در مقام ریاست دعوت تعیین و به وجود پسرعمش عبدالله بن علی بن حسن فخرالدین پشتگرم و تقویت کرد. عمادالدین ادریس در نوزدهم ذی‌القعدة ۸۷۲ / ۱۰ ژوئیه ۱۴۶۹ پس از چهل سال ریاست دعوت اسماعیلی یمن درگذشت.^{۱۷}

تألیفات

عمادالدین ادریس به رغم تأخر زمانی‌اش «بزرگترین تاریخ‌نگار دعوت اسماعیلیه» شمرده می‌شود. سبب این است که جایگاه او به عنوان

این نسخه‌ها را استادان دانشگاه بازرنگری و تصحیح می‌کردند و همه نسخ در کتابخانه دانشگاه نگهداری می‌شد.

مصطفی غالب جزءهای چهارم و پنجم و ششم این کتاب را منتشر ساخته است. جزء چهارم را دارالترتات الفاطمی در سال ۱۹۷۳ در بیروت، و اجزاء پنجم و ششم را دارالاندلس به سال ۱۹۷۵، ۱۹۷۸ در بیروت به چاپ رسانده‌اند.

فرحات دشرلوی بخشی از جزء پنجم این کتاب را تحت عنوان تاریخ الدولة الفاطمیه بالمغرب (مهدی - قائم - منصور - قیام ابویزید) در ۱۹۷۹ م. در تونس منتشر کرد. سپس محمد یعللوی دو جزء پنجم و ششم این کتاب را تحت عنوان تاریخ الخلفاء الفاطمیین بالمغرب - بخش ویژه کتاب عیون الاخبار، در سال ۱۹۸۵ م. در دارالغرب الاسلامی، بیروت، نشر کرد.

۲. نزهة الافکار و روضة الاخبار فی ذکر من قام باليمن من الملوك الکبار والدعاة الاخير. این تنها کتابی است که به روشنی تاریخ دعوت اسماعیلیه را به طور پیوسته در یمن از ایام منصور الیمین بن حوشب تا روزگار مؤلف، خاصه از سقوط دولت صلیحیان به سال ۵۳۲ ق / ۱۱۳۸ م. تا سال ۸۵۳ ق / ۱۴۴۹ م. توضیح داده است. مؤلف در این اثر اهمیت خاصی برای دعوت اسماعیلیه در هند و پیوندهای میان دو طایفه اسماعیلی یمن و هند قائل شده است.

این کتاب شامل دو جزء است. جزء اول دربردارنده دعوت اسماعیلی در یمن، از زمان منصور الیمین تا هنگام تعیین ذؤیب بن موسی وداعی به عنوان داعی مطلق در دوره ستر، است. در ادامه این بخش شرح حال‌های مختصری از شماری از داعیان بعدی آمده است که به یادداشت‌هایی در قالب شرح حال توأم با پاره‌های ملاحظاتی از معاصران شناخته شده آنان شباهت دارد. این جزء با ذکر هفدهمین داعی مطلق، عبدالله بن علی بن محمد بن حاتم که نیای مؤلف است خاتمه پیدا می‌کند. جزء دوم به طور کامل به ادامه سیرت هفدهمین و نیز هجدهمین داعی، اسلاف مستقیم مؤلف، اختصاص یافته است.

از این کتاب نسخه‌ای در دو مجلد در المکتبه المحمدیه الهمدانیه وجود دارد و نسخه‌ای هم در کتابخانه الجامع الکبیر در صنعاء که در سده سیزدهم هجری در ۱۷۸ ورق کتابت شده (میکروفیلی از آن به شماره ۲۲۵۳ در دارالکتب المصریه موجود است) که هم‌اینک استاد سامر طرابلسی در دانشگاه آمریکایی بیروت سرگرم تحقیق و آماده‌سازی آن برای نشر است.

۳. روضة الاخبار و نزهة الاسمار فی حوادث الیمن الکبار و الحصون والامصار. این کتاب ذیلی بر نزهة الافکار است و رخدادهای ۸۵۴ ق / ۱۴۵۰ م تا ۸۷۰ ق / ۱۴۶۶ م. را دربرمی‌گیرد و منبع مهمی برای تاریخ دولت طاهریان است که پس از دولت رسولیان زمام حکومت یمن را برعهده گرفت، به این سبب که عمادالدین ادریس با آنان هم‌پیمان بود. این کتاب همچنین منبع مهمی برای تاریخ زندگانی عمادالدین ادریس و نقشی است که به عنوان رئیس دعوت طیبیه در بلاد یمن ایفا می‌کرد. [از این کتاب یک نسخه وجود دارد که به سال ۹۹۱ ق / ۱۵۸۳ م.

داعی مطلق طیبیه در یمن این امکان را برای او فراهم ساخته بود که از میراث اسماعیلی محفوظ در یمن آگهی یابد؛ میراثی که بخش اعظمی از آن در اواسط سده پنجم هجری / دوازدهم میلادی در اثباتی سفارت قاضی لمک بن مالک حمادی به یمن منتقل شده بود و پس از پنهان شدن امام طیب بن امر به سال ۵۲۴ ق / ۱۱۳۰ م. نهاد دعوت اسماعیلی در یمن که داعی ادریس ریاست آن را به سال ۸۳۲ ق / ۱۴۲۸ م عهده‌دار شده بود، از آن حفاظت می‌کرد. عمادالدین ادریس شماری از مؤلفات تاریخی و اعتقادی خود را با تکیه بر این منابع اصلی به نگارش درآورده که به دست ما نرسیده است.

قطب‌الدین برهانپوری به تألیفات عمادالدین ادریس اشاره کرده است که می‌توانیم آنها را چنین تقسیم کنیم: تألیفات تاریخی، حاوی تاریخ دعوت اسماعیلی به طور کل و تاریخ یمن و تاریخ دعوت اسماعیلیه در آن، چرا که عمادالدین ادریس به اعتبار یمنی بودن بهترین فردی است که تاریخ آن سامان را نوشته است؛ و تألیفات اعتقادی در رد گروندگان به فرقه‌های دیگر دارد.

عمادالدین ادریس سه تألیف تاریخی مشخص دارد:

۱. عیون الاخبار و فنون الآثار فی ذکر النبی المصطفی المختار و وصیه علی بن ابی طالب قاتل الکفار و ألهما الائمة الاطهار علیهم صلوات الله العزیز الغفار. این کتاب مهم‌ترین کتابی است که تاریخ دعوت اسماعیلیه را از آغاز تا نیمه دوم سده ششم هجری / دوازدهم میلادی به نگارش درآورده است. این کتاب شامل هفت جزء است که مؤلف بر هر جزء آن نام «سبع» نهاده که نزد اسماعیلیان که به لحاظ انتساب به هفتمین امامشان محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق، به «سبعیه» شناخته می‌شوند واجد دلالت ویژه‌ای است.

محتویات این هفت جزء به قرار ذیل است: جزء اول: فضایل و سیرت پیامبر (ص) و ازدواج فاطمه (س) و علی (ع)؛ جزء دوم و سوم: سیرت امام علی بن ابی طالب و حوادث جمل و صفین و نهروان تا شهادت وی؛ جزء چهارم: در یادکرد امامان از حسن بن علی بن ابی طالب تا نهایت روزگار ائمه مستور و بدایت ظهور عبدالله مهدی؛ جزء پنجم: برپایی دولت فاطمیان در افریقیه و یادکرد امامان سه‌گانه نخستین: مهدی و قائم و منصور؛ جزء ششم: در یادکرد ائمه اسماعیلی با شروع از المعزالدین الله و انتقال خلافت فاطمی به مصر، سپس دوران العزیز بالله و الحاکم بامرالله و الظاهر لاعز از دین الله و آغاز عهد المستنصر بالله؛ جزء هفتم: تفصیلات پربار و پرارزشی در باب سالیان پایانی روزگار المستنصر بالله و برپایی دولت صلیحیان در یمن، و دوپارگی متعاقب مرگ المستنصر، و دوره المستعلی بالله والامر باحاکم الله و شروع دوره دعوت طیبی در یمن و نیز تفصیلات و جزئیات مهمی درباره داعیان مختلف یمن.

به نظر می‌رسد عمادالدین ادریس تألیف این کتاب را پس از به پایان بردن تألیف کتاب دیگرش زهر المعانی به سال ۸۳۸ ق / ۱۴۳۴ م. آغاز کرده باشد. به لحاظ اهمیتی که این کتاب برای تاریخ دعوت اسماعیلیه دارد، بر هر دانشجوی دانشگاه سیفیه در سورت هند لازم بود نسخه‌ای از این کتاب را با تطبیق کامل یا نسخه دست‌نویس اصلی آن بازنویسی کند.

۱۱. دیوان شعر. برهانپوری این دیوان را ارزشمند و شیوا وصف کرده که حاوی رموز و اشارات و لمح و تلویحات است.^{۲۲}
- تالیفات دیگر وی که برهانپوری از آنها یاد نکرده به قرار زیر است:
۱۲. هدایة الطالبین و اقامة الحجّة فی ایضاح الحق المبین فی جواب المارقین من الهند.
۱۳. رساله فی هلال الصوم.
۱۴. تأویل امثال القرآن.

منابع کتاب

منبع اصلی برای بررسی این دوره پراهمیت تاریخ یمن، شامل تاریخ خاندان صلیحی و تاریخ دیگر خاندان‌های حکومتگر معاصر آنها (نجاحیان - بنومهدی - زریعیان)، همانا تاریخ الیمن موسوم به المفید فی اخبار صنعاء و زبید نوشته فقیه شاعر عمارة یمنی، نجم‌الدین ابومحمد غماره‌بن ابی‌الحسن حکمی (متوفی ۵۶۹ ق / ۱۱۷۴ م در قاهره) است.^{۲۳} این کتاب ریشه و اساس تمام تالیفاتی است که پس از او تاریخ این دولت‌ها را نوشته؛ تا آنجا که مورخان یمنی متأخر، نظیر خزرگی و ابن‌الرّبع و یحیی‌بن‌الحسین، جز اطلاعاتی اندک به آنچه عمارة یمنی نوشته نیفزوده‌اند.

عمارة یمنی کتابت تاریخ خود را در سال ۵۶۳ ق / ۱۱۶۷ م. پس از حدود سی سال اقامت در مصر، به درخواست قاضی فاضل عبدالرحیم‌بن علی بیسانی صاحب دیوان انشاء فاطمیان در زمان العاضد آغاز کرد.^{۲۴} (العاضد بعدها از بزرگترین مقربان صلاح‌الدین یوسف‌بن ایوب، براندازنده دولت فاطمیان، شد). عمارة روابط مستحکمی با افرادی از خاندان زریعیان داشت که دعوت حافظیه (مجیدیه) را برای چهار تن از واپسین خلفای مصر در تمدن یمن برپا داشتند. به رغم آنکه عمارة در سال ۵۶۹ ق / ۱۱۷۴ م. در تلاش برای تجدید خلافت فاطمیان در مصر به قتل رسید و قصیده مشهوری هم در رثای برافتادن سلطنت فاطمیان گفته است غالباً او را بر مذهب اهل سنت می‌دانند. قلمشندی گوید: «این عمارة بر عقیده شیعه نبود بلکه فقهی شافعی مذهب بود که به سال ۵۵۰ ق. به هنگام وزارت صالح طلائع‌بن رزیک، از سوی قاسم بن هاشم بن فلیته امیر مکه نامه‌ای برای فائز - یکی از خلفای فاطمی مصر - آورد.»^{۲۵}

عمارة در «تاریخش» گزارش‌های فراوانی از کتابی نقل کرده که امروزه در دست نیست یعنی المفید فی تاریخ زبید نوشته حبیب‌بن نجاح (متوفی ۴۹۸ ق / ۱۱۰۵ م).^{۲۶} جندی و بامخرمه سبب فقدان این کتاب را از آن می‌دانند که «انساب شماری از مردم را که به عرب منسوب بودند آشکار ساخته و در باب آنها غیر از این حکایاتی آورده که سبب شده آنان در نابود کردن آن مبالغه کنند و از نسخه‌ای از آن اطلاع نیابند الا اینکه آن را بخرند و از بین ببرند، از همین رو است که شمار نسخه‌های این کتاب اندک است.»^{۲۷}

به رغم اینکه کتاب تاریخ‌الیمین نوشته عمارة یکی از منابع اصلی عمادالدین ادریس در جزء هفتم عیون‌الاخبار است، هر یک از این دو کتاب تاریخ‌های مختلفی را برای حوادث واحد یاد می‌کنند و جز در پنج تاریخ

کتابت شده و به شماره ۱۹۷۲ در کتابخانه دانشگاه لینن محفوظ است و به همت محمدبن علی الاکوع الحوالی در هیئته العامه الیمینیه للکتاب در صنعاء منتشر شده است.

حسین همدانی - نخستین کسی که به اهمیت تالیفات تاریخی عمادالدین ادریس توجه و به آنها استناد کرد - به حق خاطر نشان ساخته است که نوشته‌های وی عاری از شایبه جانبداری و ترجیح بلامرجح نیست؛ حب افراطی و بغض شدید، که گاهی محو حقیقت و تحریف وقایع و حذف پاره‌ای حوادث را در پی دارد، از تطبیق مندرجات آن با منابع تاریخی دیگر روشن می‌شود.^{۲۸} همچنین نویسنده، منابع اسماعیلی و منابع مخالف با آن را به روشنی از هم جدا می‌کند و آنها را مشخص نمی‌سازد.

تالیفات دیگر عمادالدین ادریس براساس نوشته قطب‌الدین برهانپوری بدین قرار است:

۴. زهر المعانی فی توحید المبدع الحق سبحانه و معرفة الکمالین الاول و الثانی و حصول عالم الجسم و ارتقائه الی العالم الروحانی فی الحقایق. این کتاب به همت مصطفی غالب در المؤسسة الجامعیة للدراسات به سال ۱۹۹۱ م. در بیروت منتشر شده است.

۵. رساله‌البیان لماوجب من معرفة الصلاة فی نصف شهر رجب‌الاصب. «در آن به تأویل سه ماه رجب و شعبان و رمضان و معنی نماز ام‌داود [فاطمه بنت عبدالله] و معنی روزه پرداخته و در طی آن از حقایق دقیقی علمی پرده برگرفته که پیش از آن کشف نشده بوده است.» وی در این رساله به نمازی می‌پردازد که امام جعفر صادق آن را به فاطمه دختر عبدالله تعلیم کرده و مشتمل بر هشت رکعت و متضمن آیات و ادعیه‌ای است که بعد از ادای نماز خوانده می‌شود.

۶. رساله فی الرد علی‌الزندیق المسمی بالجمال که به الرسالة الموسومه بموضحة التلیس و داخضة التلیس فی الرد علی بعض المعطلین المسمی بالجمال نیز شهرت دارد. این مرد ناشناخته است و برهانپوری وی را از زمره متمدینی وصف می‌کند که بر اسلام و مسلمانان طعن می‌زده است. عمادالدین ادریس در این کتاب جمیع بیانات و حجج قاطع و براهین روشن موجود در قرآن و شرع شریف را گردآورده و در طی آن برتری اسلام و مسلمین را ثابت کرده است.^{۲۹}

۷. الرسالة الموسومة بمُدْحِضَةِ الْبُهْتَانِ و موضحة الحق فی صوم شهر رمضان. این اثر را هنگامی که گروهی از گمراهان اهل هند خروج کردند و به گروه شیاطین پیوستند و در روزه به رؤیت هلال احتجاج کردند، نوشت و آن را به شبه‌قاره هند فرستاد.

۸. رساله فی الرد علی عالم من علماء الزیدیه و هدم ما بناه فی کتابه من المحال.

۹. رساله زبده السرائر که به ضیاء‌البصائر و زبده السرائر هم شهرت دارد.

۱۰. ایضاح الاعلام و ابانة الحجّة فی کمال عده الصیام فی ان الصیام بالحساب بالارویه و ان شهره ثلاثون يوماً لاینقص من عدته ابداً که منبع اصلی آن المجالس المؤیدیه است.

این فصل کتاب چنان است که گویا به صورت ساخنگی در آن گنجانده شده است.^{۲۸} ساموئل استرن بیشتر آنچه را که در این فصل آمده رد کرده و بر ساخته یک کاتب طیبی مذهب متأخر شمرده است، در عین حال که بخش اول آن و مجموع نام‌های داعیان زریعی موجود در آن را اصیل دانسته است.^{۲۹} اما مایکل باتس این فصل از تاریخ یمن را افزوده کاتبی طیبی مذهب دانسته و چنین استدلال کرده که عماره یمنی نسبت به داعی لمک بن مالک و فرزندش یحیی که به استقلال دعوت یمن از دعوت مصر ربطی نداشتند و در این فصل نامشان یاد شده است، به کلی تجاهل ورزیده و در «تاریخش» از ایشان و دیگر کسانی که نام‌هایشان در این فصل آمده مطلقاً یاد نکرده است. سخن او به این معناست که این مطالب افزوده کاتبی طیبی مذهب است که به منظور بالا بردن شأن و مقام نخستین بنیان‌گذاران این فرقه اضافه شده است.

بدین‌گونه نویسنده این فصل کم و بیش به نحوی با حرکت طیبیه ارتباط داشته و بخش زیادی از تاریخ رسمی آن را می‌شناخته است.^{۳۰} سامر طرابلسی علاوه بر این، می‌افزاید که قرائت اندیشمندانه این فصل بر ما روشن می‌دارد که چند مؤلف آن را نگاشته‌اند؛ بدین‌گونه که بخشی که با عبارت: «فانتقلت من ولایة الحافظ الی آل زریع» آغاز می‌شود فقط می‌تواند افزوده ثانوی یک نویسنده زریعی باشد که نام داعیان زریعی را پیش از خاتمه کتاب در آن گنجانده است.^{۳۱}

عمادالدین ادریس قطعه‌ای را از کتاب دیگری از عماره یمنی، انموذج ملوک الیمن، نقل می‌کند که به یک شاعر و داعی به نام سلطان خطاب متعلق بوده است و بسا که تنها بخشی باشد که از این کتاب مفقود باقی مانده است. وی توضیح می‌دهد که این کتاب چشم‌انداز وسیع‌تری از تاریخ یمن داشته است.

عمادالدین ادریس دست‌نویسی از این کتاب در اختیار نداشته زیرا اقتباس خود از آن را چنین ختم می‌کند: «کتاب مذکور در دسترس نبود از این رو لفظ آن را نقل می‌کنم»^{۳۲}

و اما سیره الداعی المکرم الصلیحی که مجهول‌المؤلف است و عمادالدین ادریس چنین به آن اشاره می‌کند: «صاحب سیره (الداعی) الملک المکرم گوید، تنها منبعی است که زندگی المکرم و زوجه‌اش سیده حره را به طور کامل و سلسله‌وار توأم با جزئیاتی پربار بر ایمان نقل می‌کند. آگاهی‌هایی که این سیده ارائه می‌کند همچنان که از تاریخ یمن عماره و دیگر منابع متأخر اهل سنت یمن برمی‌آید نظرگاه ما را در باب نقش منفی المکرم به کلی دگرگون می‌سازد. این آگاهی‌ها بویژه ربط پیدا می‌کنند به نقشی که المکرم در فرونشاندن شورشی ایفا کرد که به دنبال کشته شدن پدرش علی صلیحی سرتاسر یمن را فرا گرفت»^{۳۳}

شیخ محمد شاکر - از دانشمندان طایفه بَهره - مرا مطلع ساخت که در یکی از کتابخانه‌های یمن نسخه‌ای از سیره المکرم را پیدا کرده و در باب آن پژوهشی فراهم آورده و آن را به مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی لندن (SOAS) عرضه کرده است!

داعی الدعاة المؤید فی‌الدین هبة الله شیرازی پلر روحانی دعوت اسماعیلی یمن محسوب می‌شود از آن رو که بین او و داعی یمن - در

متفق نیستند! تعیین تاریخ‌های درست این حوادث از خلال «السجلات المستنصریه» - تنها اسناد موجود در باب این دوره - ممکن می‌نماید که قاطع است و تردیدناپذیر.

عمار - و کسانی که از او نقل می‌کنند - تاریخ شورش علی صلیحی در کوه مسار را سال ۴۲۹ ق / ۱۰۳۷ م. دانسته‌اند. عمادالدین ادریس هم در آغاز این جزء همین تاریخ را معتبر دانسته است اما در چند صفحه بعد تاریخ صحیح آن یعنی ۴۳۹ ق / ۱۰۴۷ م. را ذکر می‌کند که مطابق است با آنچه محمدبن مالک بن ابی القیائل حمادی - از فقهای یمن و دانشمندان اهل سنت در سده پنجم هجری / یازدهم میلادی، در کتاب کشف اسرار الباطنیه^{۳۴} آورده است.

این کتاب منبع پراهمیتی برای تاریخ حرکت فاطمیان صلیحی در یمن شمرده می‌شود؛ به ویژه از آن نظر که هم‌عصر آنان بوده و به مذهب آنان درآمده و چون - چنان که خود می‌گوید - فساد مذهب آنان برایش به اثبات رسیده از آن روی برتافته و این رساله را فراهم کرده است تا بنیاد مذهب آنان را گزارش کند و عیب و نقص آن را روشن دارد و از فریبکاری آنان پرهیز دهد. همچنین عماره تاریخی را که علی صلیحی برای نخستین بار به امام المستنصر بالله نامه نوشت و در آن از او اجازه گشودن یمن و آشکار ساختن دعوت اسماعیلی را به سود او خواسته است سال ۴۵۳ ق / ۱۰۶۱ م تعیین کرده، حال آنکه عمادالدین ادریس آن را در سال ۴۳۹ ق / ۱۰۴۷ م دانسته است. نامه‌های تبادل شده میان یمن و قاهره که در مجموعه السجلات المستنصریه آمده پیش از سال ۴۵۳ ق / ۱۰۶۱ م بوده و بنابراین تاریخی که عمادالدین ادریس ذکر کرده محتمل‌تر است.

این دو کتاب در باب قتل علی صلیحی و تاریخ وفات فرزندش المکرم احمد نیز اختلاف دارند. در حالی که عماره و دیگران و به نقل از وی، قتل علی صلیحی را به سال ۴۷۳ ق / ۱۰۸۰ م یاد می‌کند، عمادالدین ادریس آن را به سال ۴۵۹ ق / ۱۰۶۶ م می‌داند.

همچنین عماره وفات المکرم احمد را در ۴۸۴ ق / ۱۰۹۱ م تعیین کرده ولی عمادالدین ادریس ثابت کرده که تاریخ صحیح وفات وی سال ۴۷۷ ق / ۱۰۸۴ م است. اما السجلات المستنصریه که عمادالدین ادریس هم به آن استناد کرده - جای تردید باقی نمی‌گذارد که آن دو به ترتیب در سال‌های ۴۵۹ ق / ۱۰۶۶ م و ۴۷۷ ق / ۱۰۸۴ م وفات کرده‌اند.

عماره یمنی به این نکته نیز اشاره نمی‌کند که فرمانده المکرم صغیر عبدالمستنصر، فرزند الملک المکرم احمد از زوجه‌اش سیده حره، پس از مرگ المکرم در سال ۴۷۷ ق / ۱۰۸۴ م. تحت اشراف مادرش زمام امور را به دست گرفته است.

واپسین فصل کتاب تاریخ یمن نوشته عماره تحت عنوان «فصلی در باب آن کس که زمام امر دعوت را در یمن عهده‌دار شد»، متضمن متن سجلی است که الامر باحکام الله به سیده حره صلیحی فرستاده و در آن خبر تولد پسرش طیب را به او داد. این سجل را نخستین بار هاتری کاسل کی منتشر ساخت و در باب صحت آن تردید کرد. وی افتادگی‌ها و تحریفات موجود در آن را که معنای بسیاری از فقرات آن را مبهم ساخته بود خاطر نشان ساخت. به علاوه مدعی شد که نحوه درج سجل امر در

البته این شخص قطعاً صاحب منبع مورد استناد عمادالدین ادریس در این باب نیست زیرا در حدود ده سال پیش از وقوع جنگ داخلی مصر در آن سال‌ها وفات کرده است.

اما مهم‌ترین منابع عمادالدین ادریس که ارزش تاریخی ویژه‌ای به کتاب وی بخشیده است مجموعه السجلات المستنصریه است که معلومات گسترده‌ای در باب «جزیره» یمن و رابطه آن با امامت فاطمیان در مصر در اختیارمان می‌گذارد. این مجموعه شامل ۶۶ سجل صادر شده از دیوان امام فاطمی المستنصر بالله است که به داعیان جزیره یمن فرستاده شده و طی ۴۴ سال، میان سال‌های ۴۳۵ ق / ۱۰۵۳ م و ۴۸۹ ق / ۱۰۹۶ م، کتابت شده است.^{۲۳}

این سجلات سند بسیار مهمی است برای تأکید گذاردن بر پاره‌ای از تاریخ‌ها و روشن ساختن حوادث معاصر چه در یمن و چه در مصر و نیز جهت فهم رابطه میان ریاست دعوت فاطمی در قاهره و یکی از جزایر این دعوت. این سجلات همچنین میزان تأثیرپذیری یمن میانه را از قدرت تحت حکومت صلیحیان بیان می‌کند و نشان می‌دهد که نقش ریاست دعوت در قاهره تنها در حد تصدیق تصمیمات صلیحیان بود.^{۲۴}

ولی باید بدانیم که کثیری از این تصمیمات از طریق پیک‌هایی که دائماً میان دربارهای امام فاطمی و صلیحیان در تردد بودند به طور شفاهی مورد اتفاق قرار می‌گرفت و این سجلات فقط به این تصمیمات رسمیت می‌بخشید.

این سجلات همچنین پرتو روشنی بر دوره درازمدت حکومت امام المستنصر بالله (۴۲۷ - ۴۸۷ ق / ۱۰۳۶ - ۱۰۹۴ م) می‌اندازند. چنان که آگاهی‌های پرازرنشی در باب رخدادهای داخلی در مصر و دربار فاطمی، و گاه رویدادهای بیرون از مصر نظیر دعوت المعز بن بادیس به سود عباسیان در افریقه در اختیارمان قرار می‌دهد.

این سجلات به وضوح به تغییری اشاره دارند که پس از وفات داعی الدعاة المؤید فی‌الدین هیة‌الله شیرازی به سال ۴۷۰ ق / ۱۰۷۸ م، و کمک‌خواهی امام المستنصر بالله از فرمانده ارمنی‌نژاد، امیرالجیوش (سپهسالار) بدرجمالی، نهاد دعوت در اختیار او قرار گرفت و بدرجمالی از سال ۴۷۲ ق / ۱۰۸۰ م به بعد «کافل قضاة المسلمین و هادی دعاة المؤمنین» گردید، چندان که امام المستنصر «دوست می‌داشت که هیچ امری از امور دین و دنیا جز به نظر او محقق نگردد».^{۲۵}

عمادالدین ادریس در جزء هفتم عیون الاخبار متن سجلات شماره ۵ و ۱۴ و ۳۵ و ۳۸ و ۵۰ را به طور کامل و سجل شماره ۷ را به صورت ناقص آورده است. اما در عوض تعدادی سجلات به آنها افزوده که در مجموعه السجلات المستنصریه نیامده و نشان می‌دهد که در قلمرو ریاست وی اسناد دست اولی وجود داشته که به دست ما نرسیده است. در نشر این جزء از عیون الاخبار دو دست‌نویس مبنای کار من بوده است:

دست‌نویس کتابخانه داعی برهان‌الدین در بمبئی، و دست‌نویس المكتبة المحمدية الهمدانية در سورت. دکتر حسین فیض‌الله همدانی نخستین کسی بود که با استناد به نسخه محفوظ در کتابخانه خانوادگی

زمان المکرم احمد و سیده حره - قاضی لمک بن مالک حمادی، ارتباط مستقیمی وجود داشت، زیرا نزدیک به پنج سال (۴۵۴ - ۴۵۹) نزد او در دارالعلم قاهره اقامت گزید و از او تعلیماتی گرفت که سیاست آینده او و جوانب فعالیت‌های دعوت اسماعیلیه در یمن را مشخص ساخت. این المؤید فی‌الدین واپسین نماینده دعوت فاطمیان بود که دامنه نفوذشان به بیرون از مصر گسترش یافت، چنان که السجلات المستنصریه (دو سجل شماره ۵۵ و ۶۱) گواه وجود روابط مستقیم و نزدیکی است که بین المؤید و دعوت یمن برقرار بود. المؤید فی‌الدین در مجموعه آثار خود میراثی برای دعوت اسماعیلیه یمن باقی گذاشت که خوشبختانه اعمال و کارهای این مبلغ و پیشوای بزرگ را حفظ کرده است. در واقع علمای یمن بیش از همه از المؤید سخن گفته‌اند و از کتاب‌ها و استدلال‌هایش بیشترین اقتباس‌ها را کرده‌اند و در آثار خود او را «سیدنا المؤید» نامیده‌اند.^{۲۶}

از این رو خیلی غریب نیست که سیره المؤید فی‌الدین منبع اصلی مورد استناد عمادالدین ادریس درباره دوره امامت - خلافت المستنصر بالله باشد.

وی به ویژه در باب نقش اصلی المؤید فی‌الدین در میانگیری میان فاطمیان و فرمانده ترک‌نژاد ابوالحارث ارسلان بساسیری، به منظور اقامه خطبه به نام فاطمیان بر منابر بغداد، نقل قول‌های مفصلی را آورده است. نوشته عمادالدین ادریس در بسیاری از مواضع یا متن کتاب تحفة القلوب و ترتیب الحدود فی الجزيرة الیمینیه از داعی حاتم بن ابراهیم بن حسین حامدی (متوفی ۵۹۶ ق / ۱۱۹۹ م) مطابقت دارد.

این کتاب، در ۲۸ فصل، در باب فلسفه اسماعیلیه است که در دو فصل بیست و یکم و بیست و دوم آن به تفصیل از داعیان طیبی و چگونگی دعوت اسماعیلی در یمن پس از مرگ امام الامر باحکام الله سخن رفته است.^{۲۷}

با این همه، عمادالدین ادریس در نخستین استناد خود به این کتاب از آن نام نمی‌برد. این استناد، مطلبی طولانی است درباره اعزام قاضی لمک بن مالک حمادی به قاهره و ملاقاتش با داعی الدعاة المؤید فی‌الدین شیرازی و امام المستنصر بالله و نقش وی در دعوت پس از بازگشت از یمن، که سراسر از دو فصل یاد شده اقتباس شده است.^{۲۸}

عمادالدین ادریس تنها بر منابع یمنی و اسماعیلی استناد و اعتماد نمی‌کند، بلکه از دیگر منابع تاریخ اسلام نظیر وفیات الاعیان قاضی ابوالعباس احمد بن محمد بن خلکان (متوفی ۶۸۱ ق / ۱۲۸۲ م) و اخبار الدول المنقطعه از جمال‌الدین علی بن ظافر ازدی (متوفی ۶۱۲ ق / ۱۲۱۵ م)، خاصه هنگام سخن از تبادل قدرت در مصر و صعود وزیران لشکری - بدرجمالی و پسرش شاهنشاه - به قله قدرت، استفاده می‌کند.^{۲۹} در تشریح جنگ داخلی و پریشانی اداری مصر در اواسط سده پنجم هجری / یازدهم میلادی عمادالدین ادریس به یک منبع مصری آکنده از جزئیات و تفصیل متکی است که به نام و نشان آن اشاره‌ای نمی‌کند. گرچه در پاره‌ای موارد از مورخ و جغرافیدان مصری، قاضی ابوعبدالله محمد بن سلامة بن جعفر قضاعی (متوفی ۴۵۴ ق / ۱۰۶۲ م)^{۳۰} یاد می‌کند بی آنکه عنوان کتاب وی را مشخص سازد.

منابعی نقل کرده که در دسترس است، به آن منابع ارجاع داده‌ام. اعلام متن را شناسانده‌ام و به منابع شرح حالشان ارجاع داده‌ام. همچنین بسیاری از اتهامات رویدادهای یاد شده در متن کتاب را - خصوصاً آنچه در مصر رخ داده است - با استناد به منابع موثق و نیز پژوهش‌های جدیدی که پژوهندگان متخصص در مطالعات مربوط به یمن و اسماعیلیان - فاطمیان انجام داده‌اند شرح کرده‌ام؛ پژوهنگاتی چون: حسین همدانی، عباس همدانی، ساموئل استرن، فرهاد دفتری، اسماعیل پوناوالا و نویسندگان این سطور.

پی‌نوشت‌ها:

* این نوشته، ترجمه مقدمه دکتر ایمن فؤاد سید بر این کتاب است.

۱. ایمن فؤاد سید، مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی ص ۴۲۸

۴۲۹ -

3. Wladimir Ivanow

4. Bernard Lewis

5. Marius Canard

6. Henry Corbin

7. "Some Unknown Ismaili Authors and their Works", IRAS (1933), PP. 319 - 378.

8. School of Oriental Studies - London

۸. علیتی منزوی این کتاب را به سال ۱۹۶۶ م در تهران منتشر ساخته است.

۹. نک:

P.Kraus, "La Bibliographie Ismaélienne de

W. Ivanow", REI VI (1932) PP.483-495

۱۰. عمادالدین ادریس، عیون الاخبار، ۷، ص ۱۹۳ - ۱۹۴، ۲۵۱، ۲۵۷.

۱۱. برای شرح حال و تألیفات وی نک: قطب‌الدین برهانپوری، منتزعه الاخبار فی اخبار الدعاة الاخبار، ص ۱۶۶ - ۱۷۵؛ مجموع، فهرسة الكتب والرسائل، ص ۷۳ - ۷۷، ۱۵۰ - ۱۵۱؛

W. Ivanow, Ismaili Literature, pp. 77-82;

G. Brockelman, Gal SII, 239, 250;

مصطفی غالب اعلام الاسماعیلیه بیروت - دارالیقظه العربیه ۱۹۶۴،

ص ۱۳۷ - ۱۳۹؛ ایمن فؤاد، مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی، ص ۱۸۰ - ۱۸۳؛ زرکلی، الاعلام، (چاپ چهارم) ج ۱، ص ۲۷۹؛ کحاله، معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۲۱۶؛ علی حسنی خربوطلی؛ عمادالدین ادریس الداعی و المؤرخ الفاطمی (۷۹۴ - ۸۷۲ ق) همراه با پژوهش در باب دعوت اسماعیلی و آثار مکتوب فاطمیان در بلاد یمن و هند، قاهره ۱۹۷۳؛

I. K. Poonawala, Biobibliography of Ismaili

Literature, PP. 169- 175; id., EF, art. "Idris b. al -

Hassan", Suppl. P. 407; F. Daftary, The Ismailis:

Their History and Doctorines, Cambridge 1990,

pp. 258- 59, 290- 291.

خود اهمیت این جزء از عیون الاخبار را خاطر نشان ساخت و در تألیف کتابش، الصلیحیون و الحركة الفاطمیة فی الیمن، آن را مبنای کار خود قرار داد و شماری از سجلات تاریخی موجود در این جزء را به کتابش ملحق کرد (پیوست‌های ۲، ۴، ۵، ۷ - ۹).

خانم بدعه سیفیه قطب‌الدین^{۱۱}، پژوهشگر هندی که منتسب است به طایفه بُهره در هند، رساله فوق لیسانس خود را با موضوع

"A Section From the Uyunal - Akhbar wa

Funun al - Athar (volume VII) of Dai Idris Inad -

Din (d. 872/1468) and the Succession Controversy

Following the Death of the Fatimid Caliph al -

Mustansir: The Claims the Mustoliyya and the

Nizariyya"

به دانشگاه آمریکایی قاهره تقدیم کرده و در طی آن بخشی از عیون الاخبار را که درباره دوره امامت المستعلی بالله والامر باحکام‌الله و سرآغاز دعوت طیبی است (مطابق صفحات ۱۸۷ تا ۳۱۰ چاپ ما)، تحقیق و بررسی کرده است. این رساله متضمن پژوهشی عمیق و ارزشمند در باب این بخش از جزء هفتم عیون الاخبار است. خانم بدعه سیفیه قطب‌الدین هنگامی که از تصمیم من مبنی بر چاپ کامل جزء هفتم این کتاب مطلع شد به من خبر داد که قصد نشر رساله‌اش را ندارد و با دادن نسخه‌ای کامل از پژوهش خود به من، بر من منت نهاد که در اثنای کارم در باب بخش دوم این جزء از آن استفاده زیادی بدم و از این جهت از او بسیار سپاسگزارم.

در چاپ این جزء از منابعی کمک گرفتم که خود عمادالدین ادریس به آنها استناد کرده و به دست ما رسیده است، به ویژه سیره‌المؤید فی الدین هبة الله شیرازی و السجلات المستتصریه و تاریخ الیمن موسوم به المفید فی اخبار زبید از عماره یمنی. متن این کتاب‌ها را به عنوان نسخ غیرمستقیم در تصحیح متن کتاب و تحقیق اختلافات لفظی و عبارتی آن فرض کردم و در حاشیه به تفاوت‌های روشن موجود بین متن این منابع و آنچه مؤلف عیون الاخبار از آنها نقل کرده اشاره کردم و واژه‌ها و عباراتی که سیاق کلام اقتضای افزودن آنها را می‌کرد بین قلاب ([]) آوردم و در حاشیه منابع آنها را ذکر کردم.

بین نوشته مؤلف و سخنانی که از ائمه اسماعیلیه به عنوان سجل یا خطبه نقل کرده تمایز قابل شدم و متن این سجلات و خطبه‌ها را با حروف ریزتر آورده‌ام.

از آنجا که این کتاب فاقد عناوین ایضاحی است لازم دانستم پاره‌ای عناوین اصلی و فرعی برای توضیح موضوعات بدان بیفزایم؛ بنابراین تمام عناوینی که در متن ملاحظه می‌کنید از اصل کتاب نیست و آنها را برای استفاده آسان‌تر از متن غنی کتاب افزوده‌ام، همچنین متن کتاب را، خاصه اعلام و امکنه و شهرها و مصطلحات را اعراب‌گذاری کرده‌ام.

حواشی کتاب را دو قسمت کرده‌ام: بخشی از آنها متضمن مقابله نسخ و اختلاف قراءات است و بخشی دیگر مخصوص ذکر منابع و توضیحات و تعلیقات؛ بدینگونه که تمام آنچه را که عمادالدین ادریس از

Imam Al - Amir, the Claims of the Later Fatimids to the Imamate, and the Rise of Tayyibi Ismailism" Oriens Iv (1951), PP. 214 - 219.

30. M. L. Bates, "The Chapter of the Fatimid Dais in Yemen in the Tarikh of Umara al-Hakami (d. 569/ 1174)", An Interpretation in Sources for the History of Arabia , II, PP. 53 - 67.

31. S. F. Traboulsi, Gender, Authority and Legitimacy in Medieval Yemen: The Case of Arwa bint Ahmad, P. 25

۳۲. عمادالدین ادریس، عیون الاخبار، ص - ۲۹۸؛ نزهة الافکار، ج ۱، ص ۱۳؛ در کتابخانه دانشگاه ییل (L-۲۲۷) ۱۳۱۲ Yale کتاب مجهول المؤلفی با عنوان انموذج الیمن وجود دارد که ناقص است و به رویدادهای سال ۷۱۲ ق/ ۱۳۱۳ م. منتهی می شود و درباره آن اطلاع کافی ندارم، اما احتمال می دهم همان کتاب عماره باشد که برخی از نسخ بدان اخباری افزوده یا یکی از مورخان ذیلی بر آن نوشته باشد.

۳۳. عمادالدین ادریس، عیون، ۷، ص ۱۲۲ - ۱۲۷.
۳۴. ایمن فؤاد سید، تاریخ المذاهب الدینیة فی بلاد الیمن، ص ۱۳۶ - ۱۳۸.
۳۵. همان، ص ۱۱۳.

A. Hamdani, "The Da'i Hatim ibn Ibrahim al - Hamidi (d. 596 H./1199 A. D)and his Book Tuhfat al - Qulub", Oriens, 23- 24, (1970-71), pp. 258 - 300.

۳۶. عمادالدین ادریس، عیون الاخبار، ۷، ص ۱۲۸ - ۱۳۱.
۳۷. همان، ص ۱۷۸، ۲۳۵ - ۲۳۶.
۳۸. نک:

A. Fuad Sayyid, "L'evolution dela Composition du genre des Khital en Egypte musulmane" An. IsI. 33 (1999). P. 65.

39- H. Hamdani, "The Letters of all - Mustansir Billah", BSOS. VII (1933 - 35), PP. 307 - 324.

عبدالمعتمد ماجد آن را به سال ۱۹۵۴ در قاهره منتشر ساخته است.
۴۰. عمادالدین ادریس، عیون الاخبار، ۷، ص ۲۳۲، ۲۳۳، السجلات المستنصریه. سجل شماره ۴۱ و ۵۰؛ ایمن فؤاد سید، تاریخ المذاهب الدینیة ص ۱۶۵ - ۱۶۹.

۴۱. عمادالدین ادریس، عیون الاخبار، ۷، ص ۱۸۳.

42. Bazat Sayfiyah Qutbudin.

12. I. K. Poonawala, EI², art. "Idris b. al - Hassan", Supp I. P. 407.

۱۳. برهانپوری، منتزع الاخبار، ص ۱۶۶.

۱۴. همان، ص ۱۷۲ - ۱۷۰.

۱۵. همان، ص ۱۷۲.

۱۶. همان، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.

۱۷. همان، ص ۱۷۵.

۱۸. حسین هملانی، الصلیحیون والحركة الفاطمیة فی الیمن، ص ۵.

۱۹. برهانپوری، منتزع الاخبار، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.

۲۰. همان، ص ۱۶۸ - ۱۶۹.

۲۱. همان، ص ۱۶۹.

۲۲. نک: ایمن فؤاد سید، مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی، ص ۱۰۸ - ۱۱۰.

تاریخ الیمن را برای نخستین بار هنری کاسل کی در کتابش

H.C. Kay, Yaman its Early Mediaeval History, London 1892.

(چاپ دوم، لندن ۱۹۶۸) با استناد بر دستنویس یگانه ای که پس از سال ۱۲۵۸ ق/ ۱۸۴۲ م کتابت شده، همراه با شرح حال و تعلیقات ارزشمندی به زبان انگلیسی منتشر ساخت. حسن سلیمان محمود این کتاب را از روی چاپ کی تجدید چاپ و تعلیقات آن را به عربی ترجمه کرده است. به سال ۱۹۷۶ قاضی محمدبن علی اکوع ویراست جدیدی از این کتاب بر مبنای دستنویسی به تاریخ ۷۲۳ ق/ ۱۳۲۳ م انتشار داد که اخبار شعرا و ادبای یمن را دربرداشت. این بخش در چاپ کی افتاده بود. اگرچه عماد اصفهانی (متوفی ۵۹۷ ق/ ۱۲۰۰ م) این بخش را در کتابش خریدة القصر و جریدة العصر، هنگام یاد کرد شعرای حجاز و یمن گنجانده است و آن را شکری فیصل به سال ۱۹۶۴ م در دمشق نشر کرده است.

۲۳. عماره یمنی، تاریخ الیمن، ص ۳۵.

۲۴. قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۳، ص ۵۲۸.

۲۵. نک: ایمن فؤاد سید، مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی، ص ۹۷.

۲۶. جندی، السلوک فی طبقات العلماء و الملوک ج ۱، ص ۲۵۲؛ بامخرمه، تاریخ ثفرعدن، ج ۲، ص ۴۷.

۲۷. عزت العطار الحسینی آن را از روی یک نسخه ویژه نسخه کتابخانه سوهاج (؟) به شماره ۱۰۴ با مقدمه ای از علامه شیخ محمد زاهد الکوثری در سال ۱۹۲۹ م منتشر ساخته، سپس به سال ۱۹۵۹ م همراه کتاب التبصیر فی الدین از اسفراینی در یک مجلد آن را تجدید چاپ کرده است.

28. H. C. Kay, Yaman, its Early Mediaeval History, PP. 134 - 37.

29. S. M. Stern, "The Succession to Fatimid